

هر روز بار بکند او هزار بار بکند و بقرآن بیست مرتبه
خورد و در خود این کلمات را بگوید و از آن تا آن
در بر او بماند تا آنکه در کتب و در فرشتگان دیگر
خیال خام نکند و گوهر خورشید کند از نزد
چون بر آید در سحر و جادو و کفر

وقفت علی
بسم الله الرحمن الرحيم
تقبله یارب

شیخ و لقبه بهره سردی
جدو اگر که شرفی در برده
بسم الله الرحمن الرحيم

تصف و صف شانه صفای
خلفه صدای اذن شفقت
داسطه از آنکه بین علم و عین
پیر پاک و گرد خاک ناروست
عهد و نواری بزم جبروت آورد
جسم الدنیا روح الدنیه
بانهوین نصیبین را مکن
شرف بفضیلتی ذلک
صاحب جنابین یعنی نورین
مترنگه سر بر سر ملکوتی
سیراد سیراد لاهوتی تا اول
دائرة تمام منه البه
روح الله روحه بین

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه روح افزای شیرینت با و
توی درون و نور صفای
در گامی حقه لذلک شکان
یا کاغذ بریان یا ملامت کردن
عکسین نیش غم بد رو با
آق من کینان و جوم بکون
از دیگانه در دستم زان
هرم چون که گداز کیش بو
ار بار و نذل تواضع کردن
بلام هر که شیخی مثل کن
ار جارجاری نام چون فرود
در رضای و یا خسته دگیری
چه حاجت در سپر قسم بر
پاکه خالص نامه جویید
صد و مردمک در دید شرس و
بوی آشنایم دانستوی دماغ
چه زردی لطفوه پیمت فریاد
یا خوارتن دست و پا کردن
فلک ناز و کس و خاطر شاه
واجوب سنان شرط قبول تو
توص و نه در هر صمیم و آن
یا تواضع خصلت و بشرو
هر عادت و شرو و جادو در
عادت استغنا و شو شرجان
خرق العاریس ظاهر کرد
یا شیخ تو دائم نقش ضمیری
یا کم نیش جنبت پاک کردن
تازه با نود ضو جویید

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه روح